

تحلیل سبکی منظومه «ده باب» شمس‌الدین محمد کاتبی نیشابوری

(ص ۱۴۶ - ۱۲۹)

خلیل حدیدی (نویسنده مسئول)^۱، حمید رضا فرضی^۲، رستم امانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

روش سخنوری کاتبی نیشابوری در منظومه یک هزار بیتی «ده باب» چگونه است و مختصات عمده سبکی اثر و نوآوریهای آن کدامند؟ قبل از پاسخ دادن به این پرسش، ابتدا مختصری در مورد زندگی شاعر به همراه معرفی منظومه «ده باب» و ویژگیهای برجسته شعر نیمه اول قرن نهم بیان شده است. پس از ذکر سابقه تحقیق، مختصات سبکی منظومه «ده باب» از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است. منظومه ده باب از نظر زبانی مثل اکثر آثار سبک عراقی، بعضی از ویژگیهای سبک خراسانی را دربردارد و از نظر فکری و ادبی نشانه‌هایی از سبک هندی را در آن میتوان دید. سبک کاتبی در این منظومه حدواسط سبک عراقی و هندی است و ویژگی بسیار متمایز آن التزام به جناس در تمام ابیات منظومه است.

کلمات کلیدی

ده باب، ویژگی سبکی، جناس، نوآوری، محمد کاتبی نیشابوری

۱- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز hrez2007@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز rostam90@ymail.com

مقدمه

شمس‌الدین محمد کاتبی نیشابوری/ ترشیزی، یکی از برجسته‌ترین شاعران و خوشنویسان نیمه اول قرن نهم است. وی در اواخر قرن هشتم در روستای «طُرُق» در نزدیکی «ترشیز» به دنیا آمد.

«گویا شهرت کاتبی به نیشابوری به جهت آن است که ترشیز جزو نیشابور بوده است. کاتبی در ابتدای حال به شهر نیشابور آمد و نزد سیمی - خطاط و شاعر- تعلیم گرفت. در شاعری و خوشنویسی مهارتی یافت و به سبب همین خوشنویسی تخلص کاتبی است. ...» (مقدمه دیوان کاتبی نیشابوری، تصحیح تقی وحیدیان کامیار و دیگران)

او به قصد تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود در جوانی به هرات رفت. این شهر در دوره کاتبی بزرگترین مرکز علمی، ادبی و هنری بود. وی در طول اقامتش در هرات به خدمت بایسنقر میرزا راه یافت. اما اشتیاق دیدن مکانهای جدید و آشنایی با علوم و افراد جدید او را از هرات به سوی استرآباد کشاند. مازندران، گیلان و شروان مقصدهای بعدی او بود. در شروان، مدتی به ستایش پادشاه آن سامان، شروانشاه منوچهر مشغول بود تا به آذربایجان (تبریز) رفت، سپس در اصفهان به خدمت صابین‌الدین علی ترکه رسید و از او در تصوف بهره‌ها گرفت. در نهایت از اصفهان به استرآباد بازگشت تا در سال ۸۳۹ به سبب ابتلا به وبا یا طاعون درگذشت. (تذکره الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، ص ۳۹۵)

کلیات کاتبی شامل غزل، قصیده، رباعی، قطعه و مثنوی است. مثنویهای وی که به خمسۀ کاتبی مشهور است، عبارتند از: گلشن ابرار، ده باب (تجنیسات)، سی‌نامه (محب و محبوب)، مجمع‌البحرین (ناظر و منظور) و دلربای.

در این مقاله از میان مثنویهای پنجگانه، منظومه ده باب از نظر سبکی مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد. این مثنوی (ده باب یا تجنیسات) که در بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده است، با این بیت در حمد خدا شروع میشود:

ای برحمت در دو عالم کارساز جمله عالم را برحمت کارساز

شاعر بعد از حمد خدا به نعت پیامبر (ص) و موعظه و سبب نظم کتاب پرداخته و بخشی را در مدح ممدوحی ناشناس آورده است. سپس فصلی در مرتبه سخن و فضیلت نظم بر نثر سروده، شروع به ابواب دهگانه کرده است. موضوع بابها مسائل اخلاقی، پند و اندرز و مسائل عرفانی است. او خود به شیوه سعدی در بوستان، بابهای منظومه‌اش را معرفی میکند:

مشمتمل این فصل بر ده باب شد نام نیک این نسخه را ده باب شد
باب اول در طریق عاشقی باب توست ای کاتبی گر عاشقی

باید این را نقل صحبت داشتن درمعانی زان غریب است و عجیب رو به عزت باش تا عزت بود هم تو را به گر نکویی با همه پای داری در گذشتن از بدی عزت آرد با قناعت دوستی کش چو بینی غم ز دل باید بهشت یعنی از باطل شدن در کوی حق راست چون جزوی که پیوندد به کل (۲۰۲ - ۱۹۲)

باب ثانوی بهر صحبت داشتن باب ثالث بهر عجب است و عجیب باب رابع شامل عزت بود باب خامس در نکویی با همه باب سادس در گذشتن از بدی باب سابع در قناعت دوستی باب ثامن هست چون باغ بهشت باب تاسع در تسیر سوی حق باب عاشتر ترک خود کردن به کل

کاتبی در شکل دادن بابهای دهگانه از یک قانون از پیش تعیین شده پیروی میکند. هر باب او با یک مقدمه حدوداً ده بیتی شروع میشود، هر یک از ابواب دارای پنج حکایت است (جز باب ششم و دهم که جای حکایت پنجم آنها را بخشی تحت عنوان موعظه گرفته است) و تعداد ابیات هر باب حدوداً نود بیت است. (با چند بیت بیشتر یا کمتر) این نشان دهنده آن است که شکل منظومه بیش از محتوای آن مورد توجه شاعر بوده است. در خاتمه کتاب نام معروفترین شاعران پیشین را آورده تا هم یادی از آنها کرده باشد و هم بدین وسیله بی اعتباری دنیا را اثبات کند.

پیشینه تحقیق

در تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات با عبارتهای کلی به بیان بعضی از ویژگیهای شعری وی پرداخته‌اند. جامی در بهارستان خود کاتبی را در بیان معانی خاص صاحب سبک ویژه میداند: «وی را معانی خاص بسیار است و در ادای آن معانی اسلوبی خاص دارد و اما شعر وی یکدست و هموار نیست، شتر گربه افتاده است» (بهارستان، عبدالرحمن جامی، ص ۱۵۱)

دولتشاه سمرقندی با عبارتهای کلی در مورد سبک کاتبی گفته: «...معانی غریبه صید دام او شده و توسن تند نکته دانی طبع شریف او را رام گردیده. با وجود لطافت طبع و سخنوری، مذاق او را جامی از خمخانه عرفان چشانیده‌اند. ...» (تذکره الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، ص ۳۸۸)

دکتر احسان یار شاطر که همه جا با دیده انتقادی به آثار شاعران این دوره می‌نگرد، مثنوی ده باب کاتبی را بدین شکل نقد میکند:

«محتاج توضیح نیست که چون شاعر خود را ملزم به رعایت جناس در همه قوافی این منظومه کرده است، مثنوی وی متکلف و مصنوع و خالی از شور شاعرانه و عاجز از انگیختن عواطف در خواننده است و چون معانی اشعار تابع امکان جناس است، ربط و پیوستگی ابیات نیز چندان درست نیست. حکایاتی که در ضمن این مثنوی ایراد شده، غالباً بی آغاز و انجام و عموماً بارد است.» (شعر در عهد شاهرخ، احسان یار شاطر، ص ۱۹۲)

دکتر ذبیح‌الله صفا در مورد شعر کاتبی با دید مثبت چنین نوشته است: «تردیدی نیست که کاتبی میان همعصران خود مقامی بلند داشت و علی‌الخصوص در تتبع شیوه‌ی قدما توانا بود. قصائد متعدد و مثنوی‌های او که در غالب آنها با مهارت به صنایع مختلف توجه شده، نشان دهنده قدرت قریحه و هنرمندی در افتادن در مضایق شعر است. (تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، ج ۴ ص ۲۳۹)

سبک کاتبی در منظومه ده‌باب

ده‌باب کاتبی را مثل هر منظومه شعری از سه دیدگاه میتوان بررسی کرد: دیدگاه زبانی، ادبی و فکری. ابتدا به بررسی ویژگی‌های زبانی این اثر پرداخته میشود تا میزان تأثیر پذیری او از شاعران پیشین معلوم شود.

۱- سطح زبانی

۱-۱. بررسی ده‌باب در سطح آوایی

۱-۱-۱. موسیقی بیرونی: وزن این مثنوی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و در بعضی ابیات فاعلان (بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور) است. منظومه‌های معروفی چون مثنوی معنوی و منطق‌الطیر در این وزن سروده شده‌اند که هر دو آنها موضوع عرفانی دارد. ده‌باب کاتبی نیز تاحدی رنگ عرفانی دارد. بنابراین اثر کاتبی علاوه بر وزن در موضوع نیز با آثار آن شاعران عارف، مرتبط است.

۱-۱-۲. موسیقی کناری: ویژگی اصلی ده‌باب و تازگی و نوآوری شاعر آن در موسیقی کناری؛ یعنی قافیه است. قوافی تقریباً در تمامی ابیات لفظاً تکراری است، اما تغییر لحن خواندن که باعث تغییر معنی میشود، این تکرار را توجیه میکند. نوع خاص قافیه و تنوع آن در این اثر نیاز به بررسی دارد. سعی شاعر برای ایجاد جناس در قوافی تمام مصراعها،

باعث این تنوع شده است. بیشتر ابیات دارای ردیف است. در ابیات زیر ردیف رعایت شده است:

هر که را در نعمتت کفران بود او نباشد مؤمن و کفر آن بود (۱۰)
در رهت هر کس که او گمراه شد آنچه شد زو در جهان گم، راه شد (۲۰)
ابیات این منظومه، بندرت دو قافیه‌ای است:

رحمت حق بر تو و بر چاریار زانکه بودندت ز جان هر چار یار (۳۶)
۱-۱-۳. موسیقی درونی: از ویژگیهای برجسته این اثر، توجه ویژه کاتبی به جناس، تکرار و واج‌آرایی است. التزام جناس در تمام مصراعها باعث شده است تا این اثر به نام تجنیسات شهرت یابد. این امر باعث اعجاب معاصران وی شده و اهلی شیرازی را بر آن داشته تا «سحر حلال» را به اقتفا از وی به نظم درآورد. اهلی در مقدمه سحر حلال به این موضوع اشاره کرده است: «چنین گوید غواص دریای سخن سازی، اهلی شیرازی، که روزی در محفل صف نشینان بارگاه حقیقت و بزرگان خرده دان کارگاه طریقت، به رسم خدمت حاضر بودم که سخن در وصف فارسان میدان معنی و زورآزمایان کمان دعوی میگذشت. از جمله تعریف مولانا کاتبی کردند که کمان دعوی از قوت بازوی طبع انگیخته و بر سر میدان سخنوری آویخته. یکی مجمع‌البحرین و یکی نسخه تجنیسات و پهلوانان عرصه سخن با قوت بازوی فکرت و زور آزمایی از آن هر دو کمان فرومانده‌اند...» (دیوان اهلی شیرازی، ص ۶۲۰)

۱-۱-۳-۱. جناس: در ده باب به همه انواع جناس توجه شده است. این کتاب را میتوان جلوه‌گاه جناس نامید. در هر بیت این منظومه، حداقل یک مورد جناس وجود دارد. ولی در بعضی ابیات تعداد جناسها بیش از یک مورد است؛ مثلاً در بیت زیر:

شد سوی شهر یمن آن یم یمین خورده بود از حب یمین او یمین (۷۱۳)
در بیت بالا چند نوع جناس مشاهده میشود. جناس تام بین دو واژه «یمین» (یمین در مصرع اول به معنی بخشش و در مصرع دوم به معنی سوگند است.)، جناس زاید میان واژه‌های «یمین» و «یم» و «یمین» و جناس ناقص بین دو واژه «یمین» و «یمین». بسامد این نوع ابیات در این منظومه زیاد است. اما مثال برای انواع جناس:

۱- جناس تام

آن شنودستی که در وقت اجل گفت ذوالقرنین سلطان اجل (۴۹)
در غزا روزی به ناگه از قضا رفت تا سازد نماز خود قضا (۴۹۷)

۲- جناس ناقص (اختلاف در حرکه)

چند بی سیم و زر آیی بر درم
عاشقی را چاره نبود جز درم (۴۷۳)
شهریاری بود با طبل و علم
وز عمل با علم در عالم علم (۶۸۶)

۳- جناس زاید

آنکه رخ بر خاک پای یار سود
بی‌زیان چون اهل سودا یافت سود (۲۵۵)
بارها ارکان کان سیم بخش
گفته در بذلش که ما را سیم بخش (۱۴۳)

۴- جناس مرکب مقرون (هر دو رکن در نوشتن شبیه هم)

گفت تا میل تو با صورت بود
کی خیر از حشر یا صورت بود (۱۰۱)
درد آن بیمار گشت آخر زیاد
صحتش شد همچو دین و دل زیاد (۲۲۳)

۵- جناس مرکب مفروق (دو رکن در نوشتن مختلف)

در رهت هر کس که او گمراه شد
آنچه شد زو در جهان گم راه شد (۲۰)
چون تو را در شرع گفتاری نکوست
هر که آن بشنید، گفت: «آری نکوست» (۲۷)
بسامد جناس مرکب مفروق بیش از سایر انواع است.

۶- جناس ملق (هر دو رکن مرکب)

ماند با آن مفلس او باش گنج
وان تن بد چون دل او با شکنج (۶۱۷)
گفت آنکو عارف باکیش بود
کافر از کفر اگر باکیش بود (۱۰۹۶)

۷- جناس مضارع

گفتمش دلبند آمد پند تو
لیک بر دل، بند آمد پند تو (۷۸)
عاقبت چون میشد از عالم بدر
گفت با فرزند کای جان پدر (۳۴۲)

۸- جناس لاحق

هر که او ترک نم عم گفت و خال
گر نگشتی هستی او بیشتر
رویش از خط سعادت یافت خال (۹۹۶)
کی شدی از خون خویشش نیشتر (۱۰۸۸)

۹- جناس مکرر: که آن را جناس مزدوج و مردد نیز گویند (فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال‌الدین همایی، ص ۵۸) در این نوع جناس کلمات متجانس در کنار هم می‌گیرند؛ مثل خار زار و کار زار در ابیات زیر:

بود درویشی میان خار زار
خویش را افکنده همچون خار، زار (۴۴۹)

داشت با کفار دایم کارزار کافران را بودی از وی کار، زار (۴۹۷)
۱۰- جناس لفظ

می کشیدی روز و شب آن خوار، خار بهر خارش بود دایم خار خار (۵۹۵)

۱۱- جناس در کلام: «... روش تجنیس در سطح جملات یک مصداق بیشتر ندارد و آن وقتی است که تمامی (یا اکثر) کلمات دو جمله یکسان و یکی دو مورد آن جناس تام باشد» (نگاهی تازه به بدیع، سیروس شمیسا، ص ۴۹)
الف) تکرار اکثر کلمات:

ای دل معشوق جوی عشق باز عشق بازی تا توانی، عشق باز (۲۰۴)
جان وحدت جوی شد کثرت گذار جان وحدت جوی شو کثرت گذار (۹۷۶)
ب) تکرار همه کلمات:

از بدی چون خانه پردازی به است از بدی چون خانه پردازی، به است (۶۷۲)
عالمی، خاطر پریشان داشتی عالمی خاطر پریشان داشتی (۸۲۳)

اشتقاق: کاتبی در این منظومه علاقه خاصی به آوردن واژه‌های مشتق از هم، نشان داده است. ابیات زیر شاهد اشتقاق او نسبت به اشتقاق است:

با خلیق مهربانی دارد او هر بنا را مهر بانی دارد او (۱۵۹)
طایرش در لامکان طیار بود کام جان زان طایرش طیار بود (۵۴۳)

شبه اشتقاق: برای این مورد نیز مثالهای زیادی در ده‌باب وجود دارد:

رنج دق آخر دقیقی آردت شرب غم قتل دقیقی آردت (۱۱۵۸)
بود در کرمان شهی آگاه دل چون کریمانش ز جان آگاه ، دل (۳۳۷)

۲-۱. سطح لغوی

۲-۱.۱. واژه‌های عربی: در کاربرد واژه‌ها، یکی از موارد شایسته توجه، استعمال بعضی واژه‌های عربی است که معادل رایج آن در فارسی وجود دارد. به طوری که شاعران دیگر و حتی معاصران کاتبی نیز از معادل فارسی یا عربی رایجتر این واژه‌ها استفاده میکنند. علت چنین استعمالی گاهی ضرورت جناس است؛ اما گاهی بدون در نظر گرفتن این ضرورت از لغات عربی با ویژگی یاد شده، استفاده کرده‌است. در ابیات زیر به جای واژه‌های رایج

دشمن، عصر، جنگ، پرنده، سر، سالها، ماه، زبان، فرزند و مردم از واژه‌های عدو، مسا، غزا، طایر، سنین، شهر، لسان، ولد و ناس که در زبان فارسی رواج کمتری دارند، استفاده کرده‌است:

— لطف دایم با مساکین دارد او
— در غزا روزی به ناگه از قضا
با عدو صبح و مسا، کین دارد او (۱۳۳)
— رویش از غم پای تا سر کنده بود
رفت تا سازد نماز خود قضا (۴۹۸)
غرق در خون طایری پرکنده بود (۵۳۴)
— نیک مرد ارغالب است ارنازل است
غالباً رحمت به فرقس نازل است (۵۹۰)

۱-۲-۲. واژه‌های ترکی: واژه‌های ترکی اگرچه در قرن نهم تا حدودی مورد توجه شاعران و یکی از ویژگی‌های سبکی شعر آنهاست، ولی در ده باب کاتبی فقط دو بار از واژه ترکی استفاده شده‌است:

— آمدش از جانب چین ایلچی
— آمد و بنشست تا شیلان کشان
کینه جو ابرو پر از چین ایلچی (۶۹۸)
پیش شه رفتند و شه شیلان کشان (۷۸۷)

شیلان کشیدن: گستردن سفره برای طعام.

۱-۲-۳. گاهی در شکل و معنی، واژه‌های فارسی را شبیه به سبک خراسانی بکار برده است: - «شنا» را به شکل «آشنا» استعمال کرده؛

گر به شاه و خیل باشی آشنا
بایدت در بحر غم کرد آشنا (۹۷۸)

— «ماندن» را در معنی رهاکردن و به حال خود گذاشتن به کار برده؛
نیست سودی ای دل از مال و منال
باز ساقی در خمار افتاده‌ام
تا زیان نبود بمال و منال (۴۲)
چند مانی در خمار افتاده‌ام (۱۶۶)
— «آمد» را به جای «شد» بکار برده؛

صحبت آمد کار هر داننده مرد
زانکه از صحبت شود داننده مرد (۳۱۲)

۱-۲-۴. ترکیبات نو: ترکیبات نو اگرچه در سایر منظومه‌های کاتبی بسامد بالایی دارد، اما در این منظومه التزام جناس و مشکلات آن، او را از خلق ترکیبات نو، باز داشته‌است. بنابراین تعداد این نوع ترکیبات انگشت شمار است:

— «آشنا دل» در معنی مأنوس؛

آشنا دل باش با دریاکشان
تا برد سوی خودت دریا، کشان (۶۴)

— «خون طپان» در معنی در خون طپنده، غرق در خون؛

- دایم آن خاکی نهاد خون طپان در میان خاک بود و خون طپان (۲۸۷)
 - «سر جمله» در معنی کامل؛
- صحبت جاهل بود سر جمله غم بلکه جاهل پای تا سر جمله غم (۳۱۹)
 - «زاغ زلف» صفت کسی که زلفش سیاه است؛
- زاغ زلفی، کبک رفتاری، خوشی در رهش چون کبک رفتاری خوشی (۵۲۸)
 - «ستاره سوخته» به معنی بخت برگشته؛
- گرچه میدیدش ستاره سوخته بودی از آهش ستاره سوخته (۵۳۳)
 - «خاک پافشار» کنایه است از هر چیز بی ارزش؛
- کاتبی در گنج وحدت پافشار غیر وحدت دان چو خاک پافشار (۱۰۳۴)
 - «صحرا وطن» کنایه است از آواره؛
- آهوی سرگشته صحرا وطن کش شب و روز است در صحرا وطن (۱۱۴۲)
 ۱-۲-۵. بکار بردن دو واژه «پوش» و «انگیز» در معنی خاص:
 ۱- پوش به معنی زره

- گفت من بودم ز اول خرقه پوش بود بهر تیر غم آن خرقه ، پوش (۳۲۷)
 این واژه در متون نظم و نثر فارسی بندرت بدین معنی بکار رفته است.
- ۲- بکار بردن انگیز در معنی انگیزش و انگیزختن:
 غمزه مستی بلا انگیز داشت دم به دم زو صد بلا، انگیز داشت (۲۸۲)
 هیچ چون طبع سخن انگیز نیست آه از آن کش در سخن انگیز نیست (۱۷۵)
 در شعر این دوره و شعر شاعران سبک هندی، واژه «انگیز» در یک معنی خاصی بکار رفته که در دوره‌های قبل و بعد سابقه ندارد. کمال خجندی انگیز فتنه کردن را در بیت زیر در معنی فتنه انگیزختن بکار برده؛

هر لحظه غمزه را به جفا تیز میکنی باز این چه فتنه است که انگیز میکنی
 (دیوان ج ۲ ص ۹۸۳)

- ۱-۲-۶. **ترخیم**: ترخیم کلمات را میتوان از ویژگیهای بارز سبکی کاتبی به حساب آورد. صفات فاعلی و مفعولی مرخم که در واقع کلمات صیقل یافته و فشرده‌ای هستند، در تنگناهای این مثنوی خیلی به درد کاتبی خورده‌اند؛
- شربت‌ی (ساقی) را خواند و گفت ای شربت آر تشنه گردیدم پی من شربت آر (۶۹۶)

بهر قربان گرچه پر گفت و شنید فایده کم بود از آن گفت‌وشنید (۱۰۰۴)

۱-۲-۷. افزودن پیشوند «سر» به اول کلمات از موارد پر بسامد در این منظومه است؛

حسن را زلف کژش سرفتنه بود زو بسی کس را که در سر، فتنه بود (۲۶۲)

صحبت جاهل بود سر جمله غم بلکه جاهل پای تا سر، جمله غم (۳۱۹)

۱-۳. **سطح نحوی:** منظومه ده باب از این دیدگاه نکات بسیاری دربر دارد و مختصات

سبک کاتبی در سطح نحوی با مختصات سبک خراسانی در موارد زیادی مشترک است که بدلیل روشن بودن مختصات زبان خراسانی ذکر مثال ضروری نمی‌نماید.

۲- **سطح ادبی:** اگرچه التزام جناس در تمامی ابیات منظومه، از اختیارات شاعر در

بکارگیری خلاقیت‌های ادبی دیگر کاسته است، با این وجود، بررسی سطح ادبی این اثر،

نشان‌دهنده آن است که کاتبی از نظر ادبی همانند شاعران سبک هندی از استعاره مکنیه و

متناقض‌نما (پارادوکس) بطور چشمگیری استفاده کرده‌است. همچنین ایهام تناسب و حسن

تعلیل که در سبک هندی بیشتر مورد توجه است، توجه کاتبی را به خود جلب کرده اما

کاربرد سایر نکات ادبی در حد معمول است.

۲-۱. **استعاره:** کاتبی به استعاره مکنیه در مقایسه با استعاره مصرحه، گرایش بیشتری

دارد. تاجایی که کاربرد استعاره مکنیه نزدیک دو برابر استعاره مصرحه است. بررسی

دویست بیت از منظومه ده‌باب نشان می‌دهد که وی در ازای سی و پنج بار استفاده از

استعاره مکنیه، بیست بار از استعاره مصرحه استفاده کرده‌است.

یکی از شگردهای کاتبی جمع کردن استعاره مصرحه و مکنیه در یک واژه است. در سه

بیت زیر به این شیوه عمل کرده است:

۱- بس جفا کاین گنبد زرکار کرد بر کسی کو از پی زر، کار کرد (۴۳)

ابتدا آسمان به گنبد طلاکاری شده تشبیه شده (استعاره مصرحه)، سپس عمل جفاکاری

که خاص موجودات صاحب اراده است، به آسمان نسبت داده شده است.

۲- در بیت زیر شاعر ابتدا خورشید را به «شاه چرخ» تشبیه کرده (استعاره مصرحه)، سپس

همانند نقاشی در نظر گرفته که عرصه جهان را رنگ می‌کند. (استعاره مکنیه)

صبحدم چون شاه چرخ نیل رنگ کرد عالم را به عکس نیل، رنگ (۶۸)

۳- در بیت پایین چرخ کهن مشاطه استعاره مصرحه است از آسمان و در مرحله بعد عمل

نگار زرین بر دست جهان بستن به آن نسبت داده شده است. (استعاره مکنیه)

چون کهن مشاطه چرخ زرنگار بست بر دست جهان از زر، نگار (۶۹)

۱-۱-۲. **استعاره مصرحه:** بسامد استعاره مصرحه در منظومه ده‌باب پایین است و تنوع و تازگی آن نیز برجستگی خاصی ندارد. کاتبی در بیشتر موارد استعاره‌های معمول را تکرار کرده‌است:

داشت روزی طوف طرف بوستان بودی از **ریحانش** سنبیل بوستان (۵۳۱)
گفت دل با او که سایه افکنش گشت آن **شمشاد** سایه افکنش (۵۷۳)

۱-۲. **استعاره مکنیه:** استعاره مکنیه در این منظومه هم از نظر کمیّت و هم از نظر پویایی جایگاه ویژه‌ای دارد. در طول این مثنوی اشیای بیجان و معانی ذهنی مانند انسان حرف میزنند، راه میروند، نگاه میکنند و قادر به انجام سایر اعمال آدمی هستند:

چرخ در راه تو سرگردان شده اختران با به سرگردان شده (۱۳)
سوی معنی گرفتد او را گذر صورتش گوید برو زین درگذر (۱۰۵)
شب به مهرش گر زند چون صبح، دم از صفای دل شود چون صبحدم (۱۳۸)
غمرة مستش به خونها تشنه لب نیشتر از غمزه او تشنه لب (۲۳۵)
خواست مردن عشق فرمودش که پای تانهی در کوی سرو خویش پای (۲۹۶)
زو ندیدد افلاک در ناورد پشت بر زمین هرگز کسش ناورد پشت (۴۳۰)

۲-۲. **تشبیه:** تشبیه بیش از سایر ابرازهای بیانی در آفریدن صور خیال ده باب، مورد استفاده کاتبی قرار گرفته است. بطوری که در دویست بیت مورد بررسی، چهل و پنج مورد تشبیه از انواع مختلف وجود دارد. بعضی از تشبیهات تکراری و بعضی از آنها تازه است.

از بررسی بیست و پنج تشبیه از تشبیهات ده‌باب کاتبی که از بخشهای مختلف منظومه بطور تصادفی انتخاب شده بود، نتیجه زیر حاصل شد:

- از نظر ذکر یا حذف بعضی از ارکان؛ تشبیه مفصل ۴۴٪، تشبیه بلیغ ۴۴٪، تشبیه مرسل ۱۲٪

- از نظر مفرد یا مرکب بودن طرفین تشبیه؛ مشبّه و مشبّه به هر دو ۹۶٪ مفرد و ۴٪ مرکب.

- از نظر حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه؛ مشبّه ۶۴٪ حسی و ۳۶٪ عقلی. مشبّه به ۱۰۰٪ حسی

- از نظر مفرد یا مرکب بودن و حسی و عقلی بودن وجه شبه؛ وجه شبه ۸۸٪ مفرد حسی، ۱۲٪ مرکب عقلی

۱-۲-۲. **تشبیه مفصل:** نزدیک به پنجاه درصد تشبیهات کاتبی را شامل میشود؛

دشمن او گشته چون شب تیره روز باد دشمن را همیشه تیره، روز (۱۳۶)

حرص کرده زرد رو همچون بهم جز قناعت زین نگرداند بهم (۸۵۱)

۲-۲-۲. تشبیه بلیغ: تشبیهات فشرده (اضافه‌های تشبیهی) در این منظومه از بسامد بالایی برخوردار است؛

از نسیم لطف او شاخ نبات رسته شیرین تر ز هر شاخ نبات (۱۵۴)
نخل جاهش میوه بهبود داشت هرچه آن بهبود را به، بود داشت (۳۱۶)

اضافات تشبیهی دیگر: تیر جفا (۵۴)، زمزم عشق (۱۱۲)، شمع جاه (۱۳۷)، باغ دل (۴۶۷)، باز عدل (۶۸۷)، مرغ ظلم (۶۸۸)، گل عرفان و ...

۲-۲-۳. تشبیه مرسل: ادات تشبیه در بیشتر از پنجاه درصد موارد ذکر شده است؛ هم ز لطف او چو نیسان تیرماه هم غلام رای او چون تیر ماه (۱۵۸)

۲-۳. کنایه: کنایه از نظر بسامد در این مثنوی جایگاه ویژه‌ای دارد. بطوری که در دو بیست بیت بررسی شده، بیش از سی و شش ترکیب کنایی وجود دارد. اما بسیاری از کنایه‌های این منظومه را در اشعار شاعران پیشین دیده‌ایم و کمتر به کنایه تازه‌ای برمیخوریم:
کرد شاه از ظالمی کوتاه دست پا کشید از ظلم و شد کوتاه دست (۳۶۶)
زو ندید افلاک در ناورد پشت بر زمین هرگز کسش ناورد پشت (۴۳۰)
کنایات دیگر: بوسه بر زمین کسی دادن (۲۱۴)، دیگ سودا بر سر آتش نهادن (۲۹۷)، دست کسی را تافتن (۲۱۹)، کوس رحیل زدن (۶۱۶)، دامن باز کشیدن (۶۲۸)، دست از چیزی شستن (۶۵۰) و ...

۲-۴. مجاز: مجاز به عنوان یکی از ابزارهای بیانی، چندان مورد توجه کاتبی نبوده و در دو بیست بیت بررسی شده، تنها هفت مورد مجاز دیده میشود که در این موارد نیز ابتکار و خلاقیتی دیده نمیشود. ابیات زیر نمونه‌ای از کاربرد مجاز در شعر اوست که در هر دو نمونه، علاقه مجاز، حال و محل است. سایر موارد نیز تقریباً همین وضع را دارد:

از دم او آن جوان تا گشت پیر عالمی را در معانی گشت پیر (۵۷۹)
در تعجب بود از عجبش جهان بلکه عالم بود از عجبش جهان (۳۹۶)

۲-۵. مراعات نظیر: در این منظومه به دلیل فشردگی ابیات و بیان داستانی و مستقیم، مراعات نظیر، نمود چندانی نیافته و برای این مورد مثالهای اندکی وجود دارد:

چون در این مزرع نکو کاری نکوست غم بد، تخم ار نکوکاری نکوست (۵۲)
حاجیان تشنه را نبود حجاب زمزم عشق ار دهدشان در حج، آب (۱۱۲)

۲-۶. **ایهام تناسب:** بر خلاف تناسب و ایهام، ایهام تناسب، بسامد نسبتاً بالایی دارد:

گر شه شامی و میر نیمروز چون اجل آمد نمائی، نیم روز (۴۸)
مهر ناید ای ستم کش از فلک هم جفا و هم ستم، کش از فلک (۵۳)

۲-۷. **حسن تعلیل:** اگرچه در سایر اشعار کاتبی حسن تعلیل از موارد پر بسامد است؛ ولی در این منظومه برای این مورد شواهدی کمی وجود دارد:

این که دایم هست آتش پشت گرم می کند از تاب مهرش پشت، گرم (۱۴۹)
تا مهش را مشتري گردید مهر پشت گرمی دید تیر از شمع مهر (۱۴۵)

۲-۸. **پارادوکس:** اگرچه کاتبی از نظر محدوده زمانی از شاعران سبک عراقی محسوب میشود، با این وجود نسبت پارادوکس در شعر او در مقایسه با شعر سایر شعرای سبک عراقی بالاست:

گفت یک شوریده آسوده دل گر همی خواهی ز غم آسوده، دل (۵۵)
پست شو چون مردم همت بلند تا ز پستی سازدت همت، بلند (۶۱)

۲-۳. **سطح فکری:** در منظومه ده باب با وجود اهمیت دادن به ظاهر کلام، آرایش لفظ و موسیقی درونی شعر، به باطن و محتوای آن نیز توجه شده، بطوری که این اثر در بعد فکری نیز پربار است. سراسر این مثنوی از مفاهیم دینی، اخلاقی و تربیتی و عرفانی آکنده است.

۳-۱. **مسائل دینی:** کاتبی از دیدگاه فکری، به اصول دینی پایبند است. او خود را در منصب یک مصلح دینی میبیند و از این جایگاه به امر و نهی مخاطب میپردازد. وی در بخش ستایش، خدا را با اوصافی چون کارساز بندگان، راهنما، خطابخش، قبله حاجات، قادر مطلق و کامبخش وصف میکند. هنگام نعت پیامبر (ص)، او را سپهسالار دین (۲۵) و دوست دشمنان و دوستان (۳۲) معرفی میکند. در عرصه حکومت، اسکندر و دارا را بنده پیامبر اسلام (۲۳) و در معراج جبرئیل را بازمانده از او (۲۶) میداند.

بنا به ذکر اکثر تذکره نویسان و با توجه به محتوای قصایدش، کاتبی شیعه است. ولی در مقدمه ده باب هر چهار خلیفه را با احترام یاد میکند. مفهوم این ابیات، سنی مذهب بودن او را به ذهن خواننده القا میکند:

رحمت حق بر تو و بر چار یار زان که بودندت زجان هر چار، یار
اولاً صدیق، امیر پاکدین آنکه کرد از کفر، صدقش پاک، دین
دیگری فاروق، آن با عدل و داد کو به رغم ظلم، دادِ عدل داد

دیگر آن میری که کان حلم بود داشت او هر چیز، کآن حلم بود
 دیگر آن حیدر، امیر شیر دل کوستاند روز رزم از شیر، دل (۴۰- ۳۶)
 (البته بعید به نظر نمیرسد که تقلید او از سعدی و سبک او در بوستان موجب شده تا
 همانند سعدی ابیاتی نیز در وصف خلفای راشدین آورده باشد.)

۳-۲. مسائل اخلاقی و تربیتی: ده باب کاتبی مثل بوستان سعدی بیشتر مطالبش، تعالیم
 اخلاقی و تربیتی است:

- وی ابتدا دل خود و بعد مخاطب خود را به عاشقی و عشق‌ورزی دعوت میکند:
- ای دل معشوق جوی عشق باز!
 - همنشینی با دانایان را توصیه میکند:
- صحبت دانا بود پرفایده
 - به ترک عجب فرا میخواند:
- بردن از صحبت توان پرفایده (۳۰۵)
- ای دل بیچاره دست از عجب دار
 - کسب عزت را لازم میداند:
- زانکه در پامال افتد عجب دار (۳۸۳)
- هر که او را باشد از عزت نشان
 - نیک مرد را مرد واقعی میداند:
- بر دو چشم خویشش از عزت نشان (۴۹۰)
- جهد کن ای دل که باشی نیک‌مرد
 - از اعمال بد پرهیز میدهد:
- زانکه نبود در جهان جز نیک‌مرد (۵۸۴)
- نیک کن پیوسته از بد روی پوش
 ورنه نیکت را بود بد روی پوش (۶۷۹)
- ۳-۳. مسائل عرفانی:** کاتبی نیشابوری در منظومه ده‌باب، چندین باب را به‌طور مستقل
 به مسائل عرفانی اختصاص داده، بابهای دیگر نیز از مفاهیم عرفانی چاشنی دربر دارد.
- گاهی افکاری شبیه اندیشه‌های مولانا در شعر او دیده‌میشود:
- فکر او جز با سپهر و شمس نیست
 - در عرفان معتقد به وحدت وجود است:
- آگه از تبریز جان جز شمس نیست (۹۷۰)
- ترک کثرت گیر چون وحدت‌گزین
 - عزلت را نیکو می‌شمارد:
- کثرت آمد ناگزین، وحدت‌گزین (۹۴۹)
- غیبتی جو از خلائق نی حضور
 - مبارزه با نفس را واجب و باعث کمال میداند:
- تا به اهل غیب باشی در حضور (۹۶۲)
- با سپاه نفس خود شو تیغ‌زن
 تا شوی شه با سپاهش تیغ‌زن (۹۸۴)
- رسیدن به حد نیستی و فنا شدن در وجود باری تعالی را سفارش میکند:

کاتبی میجوی حد نیستی زانکه تا هستی موحد نیستی(۹۹۸)

- زاهدان طالب بهشت را از همت عالی دور میداند:

ور به غلمان باشدت میل و قصور باشدت در همت عالی، قصور(۱۰۵۳)

۳-۴. مسائل سیاسی: اینگونه مسائل در منظومه ده‌باب، بازتاب چندانی نیافته است. کاتبی در این زمینه با احتیاط عمل میکند. برای تأمین معاش حاکمان معاصر خود را مدح میگوید.

- ضمن اینکه مخاطب خود را به دعاگویی پادشاه فرا میخواند از او میخواهد تا فاصله‌اش را با سلطان حفظ کند :

باش سلطان را دعاگو روز و شب دور از او باش و دعا گو روز و شب(۸۷۶)

- فرمانبرداری از پادشاه لازم میداند:

کارها را جز به دستوری مکن گر شهی بخشند دستوری مکن(۸۷۷)

۳-۵. نگرش خاص او به عاشق و معشوق: اگرچه در نظر اکثر شاعران سبک عراقی،

معشوق از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که عاشق در برابر بیوفائیهای او اجازه گله‌گذاری ندارد، اگر هم شکایتی در کار است، باچاشنی شیرین شکر همراه است؛ اما شدت این نوع نگرش در شعر کاتبی بیشتر است.

۳-۶. دعوت به استفاده از نعمت‌های دنیوی: مطلب دیگری که در ده‌باب کاتبی از نظر

فکری، توجه خواننده را به خود معطوف میدارد و باعث شگفتی او میشود، این است که وی در سراسر این منظومه، مخاطب خود را به رعایت اصول دینی دعوت میکند؛ ولی در مقدمه باب هشتم که موضوعش طور معاش(روش زندگی) است، دل خود را مورد خطاب قرار داده، و آن را بعد از به جا آوردن فرایض و نوافل به استفاده از نعمت‌های دنیوی؛ حتی چیزهای حرام دعوت میکند:

بعد از اینها کار عشرت ساز کن مست شو آهنگ جام و ساز کن

خویش را میدار خوش این پنج روز زانکه گردد شب، پس از این پنج روز

چون به محفل مجلس آرایبی به است گر به محفل مجلس آرایبی به است

بهر عشرت چون برافروزی چراغ خوش بود منزل چه صحرا و چه باغ

سبز چون گردد ز روی سبزه، جوی لاله رویی و کنار سبزه جوی(۸۷۰ - ۸۶۶)

۳-۷. شکایت از روزگار: از مفاهیم آشنای دیگر در این منظومه و در سایر منظومه‌های

وی گله از بی‌مهری فلک و جفاکاری روزگار است:

مهر ناید ای ستمکش از فلک هم جفا و هم ستم، کش از فلک (۵۳)
 مهر چون جوئی که چرخ پر ستیز با من سرگشته دارد پر، ستیز (۷۹)

۴- نوآوریهای کاتبی در ده‌باب

۴-۱. **التزام جناس:** بارزترین نمود نوآوری و ابتکار کاتبی در ده‌باب، سرودن منظومه‌ای است که در همهٔ ابیات آن جناس رعایت شده‌است. کاتبی برای اولین بار به خلق منظومه‌ای با این خصیصه دست زده است.

۴-۲. نوآوری کاتبی در سطح ادبی به بالا بودن بسامد تشخیص، پارادوکس و حسن تعلیل مربوط است. وجود این خصایص شعر وی را زمینه‌ساز سبک هندی کرده‌است.

۴-۳. از نظر فکری اندیشهٔ غم‌پرستانه، علؤ مقام معشوق و خواری بیش از حد عاشق در شعر کاتبی در مقایسه با شعر معاصرانش پر رنگ است و تازگی دارد.

۵- **ایرادها:** اشکالات اندکی در مقایسه با ایرادهای زیاد شاعران معاصر کاتبی، در این مثنوی وجود دارد که نمیتوان از آنها چشم‌پوشی کرد. کاتبی در مواردی گرفتار مخالفت قیاس و تعقید لفظی و معنوی شده و گاهی ابیاتی سست و عاری از ارزش ادبی است.

۵-۱. مخالفت قیاس

- خسرویدن به معنی مقابله کردن؛

هر که با خسرو نشان می‌خسرود عاقبت بر باد همچون خس‌رود (۹۳۰)

- همچنین برای ایجاد جناس به جای «پرید» در مصرع دوم بیت زیر «فرید» بکار برده‌است؛
 با خود آهو گفت تا بودم فرید بخت من با صاحب فر می‌فرید (۱۰۴۱)

۵-۲. **ابیات سست:** با اندکی دقت میتوان گفت که ابیات زیر، سست و دور از موازین بلاغی است و در هریک از آنها عیبی از عیوب فصاحت دیده میشود. همچنین به علت وجود تعقید لفظی و معنوی در این ابیات، منظور شاعر را نمیتوان فهمید. خوشبختانه تعداد این نوع ابیات آن قدر نیست که ارزشهای شعر کاتبی را از بین ببرد.

مرد کو عزّت ندارد خوب نیست
 از دعای آن بزرگ این حسن ماند
 حب اهل علم دان عین طمع
 در خطا یک ترک آهو چشم بود
 نام از انواع بدی دل دور کن
 ور به صورت خوب باشد خوب نیست (۲۲۵)
 خود نخواهد داشتن این حسن ماند (۴۵۶)
 عین جمله علمشان عین طمع (۹۸۰)
 در نگاهش به ز آهو چشم بود (۲۳۴)
 وانکه از جان است از دل دور کن (۷۰۴)

نتیجه

از بررسی سبک ده باب کاتبی نتایج زیر حاصل میشود:

- ۱- سطح آوایی منظومه ده‌باب از نظر التزام جناس در کل اثر، برجستگی دارد. در این منظومه، برای همه انواع جناس مثال خوب با بسامد بالا وجود دارد. آرایه تکرار با انواع مختلفش، همچنین اشتقاق و شبه اشتقاق از مختصات پر رنگ این مثنوی است.
 - ۲- مختصات لغوی ده‌باب در بسیاری از موارد با مختصات سبک خراسانی مطابقت دارد. بکاربردن لغاتی چون «آشنا» به جای «شنا» و «ماندن» در معنی رهاکردن و «شدن» در معنی «رفتن» و مواردی از این قبیل این نتیجه را تأیید میکند.
 - اگرچه کاربرد لغات عربی در این منظومه، بیش از حد معمول نیست؛ ولی کاتبی گاهی لغات ساده عربی غیر رایج در زبان فارسی مانند شهر و لسان را به جای واژه‌های رایج آن (ماه و زبان) بکار میبرد.
 - ۳- در سطح نحوی نیز بیشتر به سبک خراسانی گرایش دارد. مثلاً «را»ی نشانه مفعولی را گاهی حذف کرده است. همچنین بسامد «را»ی فک اضافه و «را»ی حرف اضافه، «همی» به جای «می» و افزودن «با»ی تأکید بر سرفعل ماضی، زیاد است.
 - ۴- در سطح ادبی تاحدودی به سبک هندی نزدیک است. چون بسامد استعاره مکنیه، پارادوکس و حسن تعلیل در شعر او بالاست.
 - ۵- در سطح فکری نیز افکارش از جهاتی شبیه افکار شاعران سبک هندی است. کاتبی نیز مانند شاعران سبک هندی از غم و هجران لذت میبرد و مقام معشوق در نظرش چنان بالاست که عاشق زار و ناتوان را امکان رسیدن به او نیست.
- شعر کاتبی در ده‌باب اگرچه بعضی از ایرادهای رایج قرن نهم را به صورت خفیف در بردارد، ولی این عیبه نمیتواند، ارزشهای شعر او را تحت شعاع خود قرار دهد. با وجود این که وی در این منظومه، به لفظ و ظاهر سخن ارج بیشتری نهاده، ولی در اکثر موارد، جانب معنی و محتوا را فرونگذاشته است. به همین سبب استاد سعید نفیسی وی را از پایه‌گذاران سبک هندی نامیده و دکتر ذبیح الله صفا کاتبی را در زمره چند شاعر استاد قرن نهم، نام برده است.

منابع

- اهلی شیرازی، محمد (۱۳۶۹)، دیوان اشعار اهلی شیرازی، تصحیح حامد ربانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۹)، بهارستان و رسایل جامی، تصحیح اعلاخان افصح زاد و دیگران، چاپ اول، تهران: ناشر میراث مکتوب.
- خجندی، کمال (۱۳۷۴)، دیوان شیخ کمال خجندی، به اهتمام ایرج گل سرخی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- سمرقندی، امیر دولتشاه بن علاء الدوله (۱۳۱۸)، تذکره الشعراء، به تصحیح ادوارد براون، لیدن، نشر بریل.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، سبک شناسی شعر، چاپ نهم، تهران: انتشارات فردوس.
- (۱۳۸۰)، کلیات سبک شناسی، چاپ ششم، تهران: انتشارات فردوس.
- (۱۳۷۸)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات فردوس.
- صائب، محمد علی (۱۳۶۸)، دیوان صائب تبریزی، تصحیح محمد قهرمان، ۶ جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاتبی ترشیزی، محمد بن عبدالله (۱۳۸۲)، دیوان کاتبی نیشابوری، تصحیح تقی وحیدیان کامیار و دیگران، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- (تاریخ کتابت ۸۸۴)، نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کاخ گلستان، شماره دستیابی ۸۸۱، کاتب سلطانعلی شیرازی، تهران.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات فروغی.
- همایی، جلال الدین (۱۳۸۳)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ بیست و دوم، تهران: مؤسسه نشر هما.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۳)، شعر فارسی در عهد شاهرخ، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.